

یک دنیا دویدهام!

گفت‌وگو با سمانه احسانی‌نیا، بانویی که ۱۶ سال است قطع نخاع شده اما ۳۰۰ اثر نقاشی با دهان ثبت کرده است

۲



زندگی در بی خودی مطلق!

نگاهی به کتاب «نام‌های بی‌جنسیت»



نبود آگاهی و افزایش نابرابری اجتماعی



بیشتر مردم در جامعه به‌ویژه در ایام سخت کنونی که معیشت، اقتصاد و بقا در مخاطره است، از فقر به عنوان مشکلی اجتماعی نام می‌برند. افزایش سرعت‌ها...

شهر بانو

۴ صفحه ویژه بانوان مشهد
۳۰ نوامبر ۲۰۲۰ | ۱۴ ربیع‌الثانی ۱۴۴۲
شماره ۳۴۲۲ روزنامه شهرآرا

۲۳ شنبه

سوگیری منفی و روزهای مهم زندگی

«دیروز هم شبیه روزهای دیگر، عادی شروع شد اما حین رفتن به محل کار، مجبور شدم با یک راننده بی‌دقت درگیر شوم که ناگهان جلو خودرو من پیچید. جریحتم با او روبرو مرا خراب کرد. وقت کار کردن تمرکز نداشتم و تا شب ذهنم مشغول توهمین‌ها...»

زنان و حرفه‌های عصر اتوماسیون

عصر اتوماسیون و در آینده نزدیک، عصر فناوری‌های هوش مصنوعی، فرصت‌های شغلی و مسیرهای جدیدی پیش‌روی افراد قرار داده است. اما افزون بر فرصت‌های بسیار، حدود ۴۰ تا ۱۶۰ میلیون از زنان در سراسر دنیا، ممکن است تا سال ۲۰۳۰ وادار شوند شغل خود را تغییر دهند و بیشتر آن‌ها به موقعیت‌هایی با مهارت‌های بالاتر روی بیاورند.

گزارش اخیر مؤسسه جهانی مک کنزی (MGI)، «آینده زنان در کسب‌وکار: گذار در عصر اتوماسیون»، به بررسی الگوهای «مشاغل از دست‌رفته»، «مشاغل به‌دست‌آمده» و «تغییر شغل» زنان در ۱۰ اقتصاد شکوفای جهان (کانادا، فرانسه، آلمان، ژاپن، بریتانیا، آمریکا و...) و ۴ اقتصاد نوظهور (چین، هند، مکزیک و آفریقای جنوبی) پرداخته است. کشورهای که روی هم‌رفته حدود نیمی از جمعیت جهان و ۶۰ درصد از تولید ناخالص داخلی (GDP) دنیا را در بر می‌گیرند، زنان و مردان این کشورها در دسته‌بندی‌های شغلی متفاوتی در مقایسه با یکدیگر مشارکت داشتند. در کشورهای با بلوغ اقتصادی، زنان به‌طور میانگین ۱۵ درصد از اپراتورهای دستگاه‌های مکانیکی را تشکیل می‌دهند اما بیش از ۷۰ درصد از آن‌ها در کارهای دفتری و پشتیبانی شاغل‌اند. هم‌چنین، بیش از ۷۰ درصد از کارکنان حوزه سلامت و خدمات اجتماعی در ۹ کشور از ۱۰ هستند و در بسیاری از این کشورها، زنان کمتر از ۱۵ درصد کارگران ساختمان و فقط حدود ۳۰ درصد از کارگران کارخانه را تشکیل می‌دهند. این آمارها نشان می‌دهند در صورتی که مشاغل به سوی اتوماسیون گام بردارند، زنان با اختلافی جزئی، کمتر از مردان در معرض خطر از دست‌دادن مشاغل خود هستند. در این ۱۰ کشور، میانگین ۲۰ درصد از زنان شاغل، در مقایسه با ۲۱ درصد از مردان

دشواری طرح مسائل زنان در برنام‌های مجلس

مجلس شورای اسلامی، به‌عنوان نهادهای تقنینی، وظیفه قانون‌گذاری و رسیدگی به وضعیت همه افراد جامعه را برعهده دارد. زنان و مسائل مربوط به آنان در مجلس که تاکنون به اشکال مختلف خود را نشان داده است. در اظهار نظرهای رسمی و غیررسمی از سوی رؤسای قوای سه‌گانه و هم‌چنین در بیانات مقام معظم رهبری نیز بارها بر اهمیت مسائل زنان و خانواده تأکید شده است. با توجه به این عملکرد مجلس، به‌عنوان نهاد رسمی‌گذار در برهه‌های رسیدگی به مسائل زنان و خانواده، چگونه ارزیابی می‌شود. به مناسبت دهم آذر، روز مجلس، در این یادداشت نگاهی کوتاه به عملکرد مجلس داشتیم.



پیش از بررسی عملکرد قوه مقننه باید به ۲ نکته مهم توجه کرد. اول از همه باید به ابهام و گستره وسیع موضوع زنان و خانواده اشاره کرد. اگر با نگاهی وسیع به طرح‌ها و لایحه‌های مورد بررسی در مجلس شورای اسلامی بنگریم، می‌توان این ادعا را پذیرفت که بیشتر مسائل به نحوی از آنجا به مسئله زنان و خانواده مرتبط می‌شود. مسائل مربوط به اقتصاد، در رأس مسائل مورد بررسی مجلس، به‌طور مستقیم، خانواده و زنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بخشی از قوانین مربوط به مسائل پیرامون آن تأمین امنیت زنان و مسائل پیرامون آن را پوشش می‌دهد و برخی صلاح‌دیدها و اظهار نظرها درباره قوانین جزایی، کیفری و مقررات انتظامی نیز می‌تواند بر زنان تأثیر غیرمستقیم بگذارد. نکته دوم آن است که خانواده‌کنی اساسی است و کوچک‌ترین و در عین حال مهم‌ترین نهاد پرورش و حمایتی در جامعه ایران به‌شمار می‌رود. بنابراین هیچ قانون، طرح، لایحه و مصوبه‌ای نمی‌تواند خدشه‌ای بر اولویت این نهاد بر سایر نهادها و ساختارها وارد آورد. با این همه، به نظر می‌رسد هنگام سخن گفتن از بررسی مسائل زنان، توجه ویژه به برخی کاستی‌های حقوقی و قانونی برای تعیین تکلیف وضعیت زنان است. واقعیت این است که اساس قوه مقننه بر قانون‌گذاری درباره مواردی است که در

شهرها شرمند زنان معلول‌اند

اگر سری به فضای مجازی بزنید و ترکیب «زنان معلول» را جست‌وجو کنید به راحتی با زنان روبه‌رو می‌شوید که با وجود معلولیت‌های جسمی، به دلیل اراده قوی و ذهن توانمند خود، توانسته‌اند بسیار موفق عمل کنند اما موفقیت آن‌ها مدالی بر گردن شهر نیست، بلکه حکایت‌هایشان شهر را بیش از پیش شرمند خود خواهد کرد. آنجا که می‌خوانیم دختری دانش‌آموز با معلولیت جسمی از ناحیه پا تنها به دلیل وجود پله‌های زیاد مدرسه نتوانسته به تحصیل خود ادامه دهد و مادری معلول با چند فرزند برای انجام ابتدایی‌ترین فعالیت‌های روزانه خود با چه سختی‌هایی روبه‌رو بوده است، تصویر شهری ناآرام در مقابل زنانی توانمند و سرسخت در نظرها نقش می‌بندد، زنانی که به دلیل معلولیت می‌توانند در مقایسه با زنان دیگر جامعه، با دشواری‌ها و محدودیت‌های بیشتری برای حضور در فضای شهری روبه‌رو هستند. در واقع آن‌ها محدودیت‌های مضاعفی را به دلیل معلولیتشان تحمل می‌کنند. اما راه چاره چیست؟ به‌واقع آیا این زنان حق حضور و بهره‌مندی از تسهیلات شهری را ندارند؟ واقعیت این است که اگر دسترسی به فضاهای شهری و تسهیلات عمومی برای معلولان فراهم آید، حضور در اجتماع و برقراری ارتباط با مردم برای آن‌ها نه تنها ممکن که بسیار ساده خواهد بود اما متأسفانه دسترسی به فضاهای تسهیلات شهری که خود یکی از پیش‌نیازهای اساسی اجتماعی شدن است، اساسی‌ترین معضل شهرهای ماست. هر شهری باید به گونه‌ای ساخته شود که هر کسی، مرد یا زن، معلول یا سالم، بتواند از آن استفاده

هدی جاودانی مترجم



(آفاق)

سمانه سلطانی کارشناس ارشد مدیریت شهری



(پرتو)

محدوده‌های مقرر در قانون اساسی باشد. بر اساس اصل ۷۱ قانون اساسی، «مجلس شورای اسلامی در عموم مسائل، در حدود مقرر در قانون اساسی می‌تواند قانون وضع کند». به عبارت ساده‌تر، مجلس این اختیار را دارد که در حیطه‌هایی که قانون اساسی درباره آن‌ها ساکت است یا قانونی در شریعت اسلامی و عرف رایج در جامعه درباره آن‌ها وجود ندارد یا با توجه به مستحدثات زمانه، نیاز به تطبیق قوانین سابق با این شرایط جدید وجود دارد، به قانون‌گذاری بپردازد. به عبارت بهتر، مجلس بازتابی از خواست‌ها و مسائل جامعه است که بنابر وضعیت موجود پدید آمده است و به سازوکارهای قانونی برای حل و رفع آن‌ها نیاز است.

درباره زنان و خانواده، با وجود گستردگی مباحث موجود، تاکنون یک حرکت هماهنگ و دنباله‌دار از سوی این نهاد در پیش گرفته نشده است. برای نمونه، در اسناد بالادستی جمهوری اسلامی ایران و اسناد توسعه، به‌طور کلی موضوع زنان و خانواده مهم شمرده شده است اما نحوه اجرایی شدن آن و تعیین یک روال قانونی برای آن از سوی دستگاه‌های ذی‌ربط آن چنان که باید مورد توجه قرار نگرفته است. ادوار مختلف مجلس، هرکدام با تمرکز بر بخش کوچکی از این نیازهای قانونی



عکس: ژانویه است

نبود آگاهی و افزایش نابرابری اجتماعی



دکتر مهتاب علی‌نژاد
جامعه‌شناس

بیشتر مردم در جامعه به‌ویژه در ایام سخت کنونی که معیشت، اقتصاد و بقا در مخاطره است، از فقر به عنوان مشکلی اجتماعی نام می‌برند. افزایش سرعت‌ها، کاهش احساس امنیت و افزایش فشارهای روانی ناشی از مشکلات معیشتی که امروزه به فقر اقتصادی نسبت داده می‌شوند، در واقع عاملی ریشه‌ای تر از فقر دارند. درخت فقر بر ریشه‌های نابرابری‌ها متعددی استوار است. نابرابری‌های اجتماعی نیز امروزه به دلیل شرایط همیشه متغیر جامعه، شدت بیشتری از گذشته دارد. ایجاد نابرابری اجتماعی توسط جامعه و ساختار مدیریتی به طور هم‌زمان سبب شده است نابرابری‌ها معمول و اجتناب‌ناپذیر شناخته شوند. در نتیجه، نه تنها اقدامی برای کاهش آن صورت نمی‌گیرد، روزبه‌روز بر شدت آن افزوده می‌شود. آیا این شکاف طبقاتی آسیب‌زا فقط در زمینه اقتصادی وجود دارد و آیا نابرابری‌های اجتماعی تنها در این عرصه است که می‌تواند برای جامعه صدماتی جبران‌ناپذیر به دنبال داشته باشد؟

یک کار ساده و تحرک‌روزمه از سوی فردی متفاوت از شما (برای نمونه، اگر شما توانمندی کامل فیزیکی دارید، فرد متفاوت از شما فردی دارای معلولیت از هر نوع آن است) به اندازه شما امکانات دارد؟ برای نمونه، فردی که روی صندلی چرخ‌دار نشسته است برای سوار شدن به اتوبوس یا شما برابر است؟ آیا ساختار اجرایی جامعه امکانات موردنیازش را برای او ایجاد کرده است؟ آیا معماری و ساخت‌وساز شهری در طراحی اولیه یا اصلاحی در طول زمان به تأمین نیازهای همه افراد جامعه توجه داشته است. برای نمونه، امکانات موردنیاز برای رفت‌وآمد ایمن و آسان برای افراد دارای معلولیت در فضاهای شهری و منابع عمومی فراهم است یا جامعه اقلیت افراد دارای معلولیت را در تخصیص امکانات از قلم‌انداخته است؟

نابرابری اجتماعی از مصادری به همین سادگی و قابل‌رویت در زندگی روزمره تا موارد کلان در زندگی اجتماعی گسترده شده است. ساده گذشتن از کنار نابرابری‌ها و نبود مطالبه تخصیص برابرانه‌تر امکانات از سوی مردم سبب استمرار نابرابری می‌شود. در واقع، حجم نابرابری به اندازه‌ای در جامعه زیاد است و خود ما به اندازه‌ای در تولید نابرابری‌های اجتماعی، استمرار آن‌ها و اعمال آن‌ها بر دیگران مشارکت کرده‌ایم که امری عادی و از پیش موجود تلقی می‌شود. به اندازه‌ای که نابرابری‌ها خو گرفته‌ایم که آن‌ها را ازلی می‌پنداریم و از مشارکت ناآگاهانه خود در ایجاد شکاف‌های اجتماعی غافل مانده‌ایم. حتی نقش سازمان‌های سیاست‌گذار و دستگاه‌های اجرایی را در تخصیص بودجه‌ها و امکانات و توزیع منابع نقش اساسی نادیده می‌گیریم.

علت تداوم نابرابری‌های اجتماعی در طول تاریخ اجتماعی بشر در جوامع متعدد در واقع همین نکته است که افراد جامعه درباره اینکه نابرابری اجتماعی امری ازلی نیست و به دست جامعه ساخته می‌شود آگاهی ندارند. ناآگاهی اکثریت جامعه گاهی سبب می‌شود نابرابری ایجاد شده توسط دستگاه‌های مدیریتی و جامعه از سوی مردم پذیرفته شود و استمرار یابد. ناآگاهی سبب نبود مسئولیت‌پذیری اجتماعی

شده است. بیشتر مردم به دلیل ناآگاهی، نمی‌توانند این نکته مهم را درک کنند که تداوم بخشیدن به نابرابری‌های اجتماعی چگونه می‌تواند سراسر جامعه را به سوی مخاطره و چالش جامعه ناسالم سوق دهد. این ناآگاهی سبب شده است جامعه نتواند به این تشخیص برسد که برای کاهش نابرابری‌های اجتماعی باید به سوی برابری‌تر کردن تقسیم منابع و امکانات جمعی حرکت کند و برای گروه‌های در حاشیه مانده جامعه که از حقوق و مزایایی یکسان با دیگران برخوردار نیستند، مزایای اجتماعی متناسب با شرایط و نیاز آنان بخواهد: برای نمونه، گروه زنان، گروه کودکان، گروه افراد دارای معلولیت و غیره. توجه نکردن به نیازهای همه افراد جامعه و کمتر دیده شدن برخی گروه‌های اجتماعی از سوی سیاست‌گذاران عمومی سبب شده است برخی گروه‌ها در تقسیم منابع و امکانات آن‌چنان که بتوانند نیازشان را برطرف کنند، مورد توجه قرار نگرفته‌اند.

در واقعیت، این اتفاق رخ داده است که گروه‌های برخوردار جامعه (برای نمونه، افراد سالم به دلیل بهره‌مندی از امکانات نسبی و نداشتن تجربه محدودیت‌های فیزیکی تحرک ناشی از معلولیت) برای تخصیص امکانات به همه گروه‌های جامعه متناسب با نیازهایشان برای زیستن سالم و موفقیت‌آمیز در جامعه به اندازه کافی احساس مسئولیت و مطالبه‌گری نکنند. نبود مسئولیت‌پذیری سبب شده است مطالبه جمعی و اکثریتی شکل نگیرد و جامعه نیاز به تغییر بینش و سیاست‌گذاری در زمینه تخصیص امکانات و الزام تأمین نیازهای همه افراد جامعه را جدی و لازم‌الاجرا تلقی نکند.

اولین گام در کاهش نابرابری‌ها در مقیاس کوچک و در زندگی روزمره این است که همه خود را در برابر سایر اعضا متعهد و مسئول بدانند. درک لزوم مسئولیت‌پذیری در برابر دیگری، از طریق ایجاد فرهنگ تعهد اجتماعی به کل جامعه ممکن می‌شود که به خودی خود مشارکت و وسیع‌نهادهای آموزشی را می‌طلبد. تلاش برای کاهش نابرابری‌ها یک الزام اجتماعی برای جامعه سالم است.

بانوی فرهنگ دوست و واقف کتابخانه شخصی

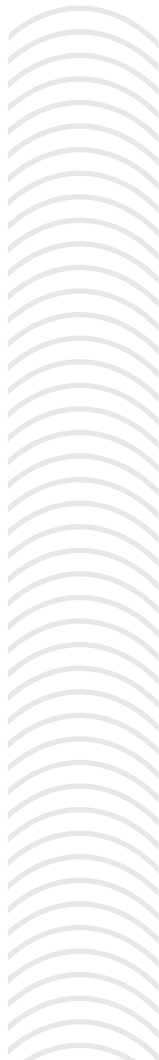


غلارضا آذری خاکیمتر
نویسنده و پژوهشگر

مشارکت زنان در کارهای فرهنگی باعث شده است برخی از آن‌ها در دفاع از حقوق زنان منشأ خدماتی باشند. دکتر مریم میرهادی از جمله این بانوان است. او فرزند سید علی اکبر (رفعت نظام)، اول فروردین ۱۲۹۲ در شیراز به دنیا آمد. در کودکی پدر و مادر خود را از دست داد و بدین ترتیب، سرپرستی او را عمویش، سرهنگ سید ابوالقاسم میرهادی، به عهده گرفت. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در تهران به پایان رساند و در سال ۱۳۱۰ برای ادامه تحصیل در دانشگاه سوربن به پاریس رفت و در رشته زبان و ادبیات فرانسه فارغ‌التحصیل شد. پس از بازگشت به ایران، در سال ۱۳۱۲ شمسی به عنوان یکی از نخستین دختران وارد دانشکده پزشکی شد و تحصیلات خود را در آن دانشکده به پایان رساند. در سال ۱۳۲۰ نیز رساله دکتری خود را درباره سیفلیس دهان نوشت و با درجه عالی قبول شد. او از سال ۱۳۲۵ به خدمات فرهنگی اجتماعی پرداخت. دکتر میرهادی پس از چندی، امتیاز روزنامه «ندای زنان» را گرفت و آن را منتشر کرد. این هفته‌نامه با رویکرد اجتماعی و پزشکی از سال ۱۳۲۶ منتشر و تا سال ۱۳۴۲ تداوم داشته است. او شعر نیز می‌سرود و انجمن ادبی ناهید را تأسیس کرد که محفلی برای شاعران و اهل فرهنگ بود.

بنابر محتوای اسناد تاریخی، دکتر میرهادی در ۲۲ خرداد ۱۳۳۴ طی مکتوبی به او کتایی، رئیس کتابخانه آستان قدس، پیشنهاد اهدا کتابخانه شخصی‌اش را داده است. در بخشی از این نامه آمده است: این جانب حاجیه دکتر مریم میرهادی، صبیحه مرحوم سید علی اکبر (رفعت نظام) تفریضی، از فامیل میرهادی، پزشک رسمی وزارت فرهنگ و نویسنده روزنامه ندای زنان و تألیفات متعدد، کتابخانه مختصر خود را که محتوی ۳۰۸۵ عدد کتاب از قبیل کتاب‌های علمی، طبی، ادبی و غیره به ۴ زبان فارسی، عربی، انگلیسی و فرانسه می‌باشد تقدیم کتابخانه آستان قدس می‌نماید که در حیات خود استفاده نموده و پس از مرگ تحویل آن کتابخانه مقدس نمایند. تنها درخواست و وصیتم اینکه غرفه‌ای که کتاب‌های نامبرده فوق را در آن قرار می‌دهید به اسم باشد که پس از مرگ، در جوار جد بزرگوارم، اسم این جانب در کتابخانه آستان قدس برای ابد باقی بماند. هم‌چنین این بانوی خیر در ۹ مهر ۱۳۳۹ یک باب خانه ملکی خود واقع در تجریش تهران را وقف آستان قدس رضوی کرد که بخشی از درآمدهای آن برای تأسیس درمانگاهی هزینه شود.

دکتر میرهادی در سال ۱۳۳۱ از سوی سندیکای دندان پزشکی ایران در یازدهمین کنگره جهانی دندان پزشکی در لندن شرکت کرد و سال ۱۳۳۴ از طرف وزارت فرهنگ به دانشگاه پاریس اعزام و در رشته بیماری‌های دهان و دندان از آن دانشگاه و نیز رشته بیماری‌های دهان کودکان از دانشگاه لندن تخصص گرفت. او علاوه بر خدمات دندان پزشکی، آثاری را تألیف و ترجمه کرده است. کتاب‌های «مشاهیر و بزرگان شرق و غرب جهان»، «سیفلیس دهان»، «تشخیص و درمان کودک»، «تاریخ نویسندگان پاریس»، «زندگانی زن»، و «خاطرات لندن» یا «مشاهدات ناهید» از آثار اوست. سرانجام این بانوی فرهیخته در ۲۸ اسفند ۱۳۵۹ دار فانی را وداع گفت و در بهشت زهرا تهران به خاک سپرده شد.



علت تداوم نابرابری‌های اجتماعی در طول تاریخ جوامع بشری در واقع همین نکته است که افراد جامعه به دلیل بهره‌مندی از امکانات نسبی و نداشتن تجربه محدودیت‌های فیزیکی تحرک ناشی از معلولیت) برای تخصیص امکانات به همه گروه‌های جامعه متناسب با نیازهایشان برای زیستن سالم و موفقیت‌آمیز در جامعه به اندازه کافی احساس مسئولیت و مطالبه‌گری نکنند. نبود مسئولیت‌پذیری سبب شده است مطالبه جمعی و اکثریتی شکل نگیرد و جامعه نیاز به تغییر بینش و سیاست‌گذاری در زمینه تخصیص امکانات و الزام تأمین نیازهای همه افراد جامعه را جدی و لازم‌الاجرا تلقی نکند.

اولین گام در کاهش نابرابری‌ها در مقیاس کوچک و در زندگی روزمره این است که همه خود را در برابر سایر اعضا متعهد و مسئول بدانند. درک لزوم مسئولیت‌پذیری در برابر دیگری، از طریق ایجاد فرهنگ تعهد اجتماعی به کل جامعه ممکن می‌شود که به خودی خود مشارکت و وسیع‌نهادهای آموزشی را می‌طلبد. تلاش برای کاهش نابرابری‌ها یک الزام اجتماعی برای جامعه سالم است.

ضمیمه روزنامه شهرآرا
صاحب‌امتیاز:
شهرداری مشهد
مدیرمسئول و سردبیر:
سید هادی فیاضی
مسئول ضمیمه
حمیده وحیدی



الهام یوسفی فعال فرهنگی شهرزاد



چالش‌های زندگی‌های معمولی است، چالش‌هایی که گاهی پیچیده و بفرغ و پر از دردی می‌شوند. «نام‌های بی‌جنسیت» نام آخرین اثر اوست که به فارسی ترجمه شده است و باز هم داستان‌های معمولی است: داستان یک عشق ساده، نفرتی که ناکامی به بار می‌آورد و انتقامی بیمارگونه. شخصیت اول داستان زنی است به نام دومینیک که از زندگی مجردی خود رضایت دارد اما به‌واقع نمی‌داند چه چیزی از زندگی می‌خواهد. او به یک ازدواج تصادفی رضایت می‌دهد و بقیه زندگی خود را به گونه‌ای می‌گذراند که انگار خود او نیست که زندگی می‌کند. «نام‌های بی‌جنسیت» درباره آدم‌هایی است که فارغ از جنسیتشان در یک سردرگمی دائم به یک زندگی غریبی که دیگران برایشان خواسته‌اند تن می‌دهند. دومینیک رؤیای زندگی در پاریس را در سر دارد، شهری که برای دختری مثل او غایت همه چیزهای زیباست. همین رؤیای پوشالی باعث می‌شود او با اولین مردی که به او وعده زندگی در پاریس را می‌دهد ازدواج کند اما پاریس بر خلاف تصور او آن شهر رؤیایی نیست. پاریس هزارتویی است که پیشرفت اقتصادی تصویر رؤیای آن را از بین برده است. حالا او مجبور است در شهری زندگی کند که هیچ شباهتی به خواب‌هایش ندارد و با همسری که هیچ شباهتی به همسر رؤیایش ندارد. اصلاً او از زندگی چه می‌خواسته؟! حالا همه چیزهایی که او می‌خواسته و برای آن‌ها پدر و مادر معمولی خود را رها کرده است همچون سراب از کار درآمده‌اند. داستان‌های نوتومب همواره نوعی پیام اخلاقی در خود دارند، پیامی درباره آنچه هستیم و آنچه در رابطه با دیگران انتظار

زندگی در بی‌خودی مطلق!

نگاهی به کتاب «نام‌های بی‌جنسیت»

مطالعه یک داستان ساده و روان که نیازی به تمرکز زیاد نداشته باشد و از پیچیدگی‌های یک داستان سوررئال و نمادین هم خالی باشد به درد زمان‌هایی از روزی که حوصله کتاب خواندن عمیق نداریم؛ یک داستان خیلی خیلی ساده، داستانی کوتاه و شفاف درباره آدم‌های معمولی! اگر اهل خواندن این نوع داستان‌ها باشید شاید نام‌آملی نوتومب به گویشتان خورده باشد، نویسنده فرانسوی که در سال‌های اخیر بسیار پرکار بوده و کتاب‌های بسیاری از او به زبان فارسی ترجمه شده است. گفته‌اند او سالی چند زمان می‌نویسد و تنها یکی از آثارش را چاپ و عرضه می‌کند. اگرچه خانم نوتومب فرانسوی است و داستان‌هایش را به زبان فرانسه می‌نویسد، به واسطه شغل پدرش زنی دنیا دیده است. او ۵ سال اول زندگی خود را در پکن و سال‌های بسیاری را در هنگ‌کنگ، میانمار و آمریکا زندگی کرده است. شاید همین تجربه زیستن و دنیا دیدگی به او این امکان را داده است که به آدم‌های مختلف و روابطشان با دقت بیشتری نگاه کند و عمیق شود. بیشتر داستان‌های او درباره شرایط و روابط انسانی و

نام‌های بی‌جنسیت
نویسنده: آملی نوتومب
ترجمه: دکتر محمدجواد کمالی

داریم. از آثار دیگر او که به فارسی ترجمه شده و طرفداران زیادی هم داشته است می‌توان به «پدرگشی»، «سفر زمستانی»، «آنتی کریستا»، «جنایت کنت نویبل» و «ترس و لرزه» اشاره کرد.

چالش‌های زندگی‌های معمولی است، چالش‌هایی که گاهی پیچیده و بفرغ و پر از دردی می‌شوند. «نام‌های بی‌جنسیت» نام آخرین اثر اوست که به فارسی ترجمه شده است و باز هم داستان‌های معمولی است: داستان یک عشق ساده، نفرتی که ناکامی به بار می‌آورد و انتقامی بیمارگونه. شخصیت اول داستان زنی است به نام دومینیک که از زندگی مجردی خود رضایت دارد اما به‌واقع نمی‌داند چه چیزی از زندگی می‌خواهد. او به یک ازدواج تصادفی رضایت می‌دهد و بقیه زندگی خود را به گونه‌ای می‌گذراند که انگار خود او نیست که زندگی می‌کند. «نام‌های بی‌جنسیت» درباره آدم‌هایی است که فارغ از جنسیتشان در یک سردرگمی دائم به یک زندگی غریبی که دیگران برایشان خواسته‌اند تن می‌دهند. دومینیک رؤیای زندگی در پاریس را در سر دارد، شهری که برای دختری مثل او غایت همه چیزهای زیباست. همین رؤیای پوشالی باعث می‌شود او با اولین مردی که به او وعده زندگی در پاریس را می‌دهد ازدواج کند اما پاریس بر خلاف تصور او آن شهر رؤیایی نیست. پاریس هزارتویی است که پیشرفت اقتصادی تصویر رؤیای آن را از بین برده است. حالا او مجبور است در شهری زندگی کند که هیچ شباهتی به خواب‌هایش ندارد و با همسری که هیچ شباهتی به همسر رؤیایش ندارد. اصلاً او از زندگی چه می‌خواسته؟! حالا همه چیزهایی که او می‌خواسته و برای آن‌ها پدر و مادر معمولی خود را رها کرده است همچون سراب از کار درآمده‌اند. داستان‌های نوتومب همواره نوعی پیام اخلاقی در خود دارند، پیامی درباره آنچه هستیم و آنچه در رابطه با دیگران انتظار

شهربانو

موسس نخستین مدرسه دخترانه مشهد

فروغ السلطنه آذرخشی در سال ۱۲۹۶ نخستین مدرسه دخترانه شهر مشهد را در خانه‌اش به راه انداخت. در آن زمان عده‌ای درس خواندن دختران را درست نمی‌دانستند و به دنبال تخریب مدرسه بودند. مبارزه او با مخالفان تحصیل بانوان ۵ سال به درازا کشید. او و چند زن همراهش شب و روز از آن مدرسه پاسداری کردند و اجازه ندادند کسی مدرسه را نابود یا تعطیل کند.



(۴)

